

تأثیر اختلافات خانوادگی و خانواده در افت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

امیرحسین مهدی مقدم^۱، فاطمه کدخدایی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی رشته آموزش ابتدایی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر اختلافات خانوادگی در افت تحصیلی و نقشی که خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند است. این پژوهش به روش مروری - توصیفی انجام شده که برای گردآوری اطلاعات آن به منابع مکتوب و معتبر در این زمینه مراجعه شده است. بدون تردید بیشتر پدر و مادران به تحصیل و پیشرفت فرزندان خود توجه نشان داده و به آن علاقه مندند و در فراهم ساختن محیط و شرایطی خوب از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند. محیط خانواده بسیاری از مسائل را به فرزندان می آموزد، نحوه رابطه والدین با یکدیگر اثر مستقیم و مهمی بر روی فرزندان می گذارد برای همین نمی توان از تأثیری که والدین در پیشرفت و رشد فرزندان شان دارد چشم پوشی کرد والدین باید بتوانند محیطی به دور از هیچ گونه تنش و اختلافی به وجود بیاورند، چنین محیط هایی میتواند باعث رشد مناسب، شکوفایی در فرزندان شود. در این مقاله به تعاریفی از خانواده، تأثیری که شرایط خانواده بر فرزندان می گذارد و تأثیری که مسائل عاطفی در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد و... پرداخته ایم.

واژه های کلیدی: خانواده، افت تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، اختلالات عاطفی، دانش آموزان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از قدیمی ترین نهادهای اجتماعی است که از بدو تشکیل زندگی گروهی انسان در پاسخ به نیاز انسان ها در روابط متقابل به شکل ابتدایی خود وجود داشته است. آموزش و پرورش رسمی از اوایل قرن حاضر به صورت یک نظام فراگیر ابتدا جوامع پیشرفته و متعاقب آن سراسر جوامع در حال پیشرفت را فرا گرفته است و امروز جامعه ای نیست که این نظام نقشی در تحول و پیشرفت آن نداشته باشد. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی علی رغم دگرگونی های بسیار هنوز هم در رشد روانی بهنجار و انتقال ارزش های فرهنگی هر جامعه کارکرد اساسی را به عهده دارد و باید برای قوام و تحکیم جایگاه برنامه ریزی های جهانی ملی و منطقه ای صورت گیرد. رشد و تکامل و فعال شدن استعدادها و توانایی های هر شخص مستلزم وجود خانواده سالم، جامعه سالم و موقعیت (مجموع) شرایط زمانی- مکانی مؤثر و سالم است و توأم بودن آنها از ضرورت های آموزش و پرورش مؤثر و موفق است.

افت تحصیلی امروز یکی از نگرانی های مهم خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش آموختگان در کشورهای مختلف جهان با پدیده ای به نام افت تحصیلی مواجه اند این پدیده علاوه بر زیان های هنگفت اقتصادی که به دلیل تکرار پایه یا صرف هزینه مجدد برای دانش آموخته انجام می پذیرد آثار سوئی بر سلامت روحی دانش آموز بر جای می گذارد افت تحصیلی علاوه بر آثار سوء اقتصادی در شکل ملی تأثیری ناگوار بر سلامت روانی دانش آموزان داشته و نگرانی نا مطلوبی برای خانواده ها به دنبال دارد. تجارب خانوادگی می تواند در عملکرد تحصیلی کودک مؤثر باشد و از این رو در زندگی بعدی کودک اثر به سزایی دارد.

خانواده

صاحب نظران بر اساس تخصص و نیازشان هر کدام تعریفی از خانواده ارائه داده اند برخی خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته بعضی روابط خویشاوندی و همخونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده اند. عده ای دیگر عامل اقتصادی و گروهی نیز عوامل روانی و جنسی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده اند به هر صورت همان گونه که از منابع دیگر هم بر می آید منظور از خانواده در این گفتار مجموعه ای از افرادی است که یکجا در کنار هم زندگی می کنند و معیار همزیستی و همبستگی آنها دو چیز است قرابت یا زوجیت. (تقوی، ۱۳۷۶).

خانواده از دیدگاه روان شناسی و علوم تربیتی

کارشناسان امور تربیتی بیش از هر چیز به عنوان یک نهاد تربیتی به خانواده می نگرند. فضای گرم خانواده مناسب ترین جای پرورش استعدادها و توانایی های نسل جدید است؛ محیطی سرشار از مهر و محبت، عواطف و احساسات پاک، و کودک از همان روزهای نخست زندگی، در آغوش پر مهر پدر و مادر قرار گرفته و درس ایثار، محبت، مروت و وفا داری فرا می گیرد. روحیه تعاون و همکاری و خدمت به مردم در فضای خانواده شکل می گیرد. کودک می آموزد که چگونه با دیگران زندگی کند و چگونه در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها شرکت کند. به نظر کار پردازان امور تربیتی کانون خانواده بسان یک مرکز تعلیم و تربیت غیر رسمی، اصول و آداب زندگی را از راه غیر مستقیم به فرزندان ارائه می دهد. به عقیده آنان خانه همواره در کنار مدرسه از عوامل مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت مطرح بوده و کارایی خود را نیز نشان داده است. هر قدر پیوند خانه و

مدرسه محکم تر باشد بازدهی تعلیم و تربیت بیشتر خواهد بود. تشکیل انجمن های اولیا و مربیان در اغلب مراکز آموزشی به همین منظور انجام می گیرد. هر یک از اعضای خانواده بخصوص پدر و مادر در تربیت کودک نقش بسزا دارند. هر چند رویکرد روانشناسی به تجزیه و تحلیل رفتار آدمی می پردازد و سعی دارد ضمن تشخیص رفتارهای نابهنجار علل بروز آنها را شناسایی کند و به درمان بیمار پردازد اما در عین حال خانواده را نیز از زوایای گوناگون مورد مطالعه قرار می دهد چرا که خانواده به عنوان یک نظام باز، دائم در حال تحول و دگرگونی است؛ داده هایی را از خارج می گیرد و چیزهایی را به بیرون می دهد. خانواده از منظر روان شناختی برای حفظ تعادل خود همیشه در دو جنبه درون سازی و برون سازی فعال است؛ یعنی در عین سازگاری با تحولات اجتماعی، همه اعضای خود را از نظر جسمی و روحی به رشد مطلوب می رساند. طبیعی است که مسائل رشد به لحاظ کمی و کیفی در روان شناسی بررسی می شوند. رویکرد خانواده درمانی از گرایش های نسبتاً جدید در دانش روان شناسی است که از زاویه های گوناگون به بررسی مسائل خانواده می پردازد. یکی از نظریه های رایج در حوزه خانواده درمانی، نظریه «سیستمی» است. این نظریه خانواده را موجودی می داند متشکل از اجزای به هم پیوسته که اولاً اعضای آن تابعی هستند از رفتار سایر اعضای خانواده و ثانیاً خانواده مانند هر نظام دیگری متمایل به تعادل است. اگر عضوی از خانواده دچار نابهنجاری شود باید در ارتباط با سایر اعضای آن درمان گردد؛ زیرا از این نظر هر عضوی وابسته به محیط خود و دیگر عناصر تشکیل دهنده آن نظام است. بر اساس نظریه سیستمی پیدایش عضو جدید یا کاهش عضو قدیم، مستلزم فشار بر اعضای سابق خانواده است. این امر ایجاب می کند که خانواده به گونه ای جوابگوی تغییرات درونی و بیرونی باشد که خود را با شرایط جدید منطبق سازد. (فراپی، ۱۳۷۱).

خانواده در اسلام

نگرش اسلام به خانواده بسیار عمیق و همه جانبه است و تمام ابعاد آن از آغاز تا انتها در همه مراحل مورد توجه بوده و در هر مورد دستورات لازم ارائه گردیده است. اسلام نگاهی همه جانبه به نهاد خانواده دارد و آن را از زاویه های گوناگون مورد توجه قرار داده است. وقتی به متون اسلامی، بخصوص آیات و روایات مراجعه کنیم در همه زمینه ها به دستوراتی بر می خوریم که از همه جهات به تحکیم نهاد خانواده پرداخته است. قرآن کریم و احادیث اسلامی در مسائل اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، روان شناختی و اقتصادی خانواده فراوان سخن گفته اند. اگر این مضامین به صورت دقیق و تخصصی استخراج و با یافته های علوم جدید منطبق گردند تحول عظیمی در دانش خانواده به وجود خواهد آمد. اسلام پیش از همه می خواهد یک فضای عاطفی و محبت آمیز در محیط خانواده پدید آید و روابط بین اعضای آن بیش از پیش پایدار گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴) خانواده ای از منظر اسلام خوشبخت است که دوستی صداقت و وفا داری بر فضای آن حاکم باشد؛ زیرا با اختلاف بدبینی و خود محوری شیرازه خانواده از هم می پاشد. خدای متعال ایجاد محبت و همدلی بین زن و شوهر را از نشانه های خود دانسته، می فرماید: «و من آياته أن خلق لكم من انفسكم أزواجاً لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودةً و رحمةً» (روم ۲۹) یکی از نشانه های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان بیارامید و میان شما و همسرانتان مودت و رحمت برقرار ساخت. (مطهری، ۱۳۸۹). از این نظر قوی ترین عامل دوام و رشد خانواده عاطفه و محبت اعضای آن به همدیگر است و همه وظیفه دارند این عامل را تقویت کنند؛ به ویژه مرد خانواده که سرپرستی اعضای خانواده را به عهده دارد، باید فضای همدلی و همکاری را در محیط خانواده پدید آورد و اگر احیاناً نارسایی یا کدورتی بین آنها پدید آمد بلافاصله به چاره و درمان

آن بپردازد. به قول شهید مطهری اگر علاقه زن به شوهر از بین رفت خانواده به صورت بیمار نیمه جان در می آید و اگر علاقه شوهر به زن خاموش شد مرگ حیات خانوادگی فرا می رسد. (نظری گزنق و ضیائی، ۱۳۹۷).

اهمیت خانواده

شاید بتوان خانواده را به باغی تشبیه کرد که به شرایط و زمینه خاصی نیاز دارد. فرزندان گلهای باغ وجودند و پدر و مادر باغبان آنها بنابراین سلامت گلها در گرو لیاقت و بیداری باغبان است. خانواده اولین و مهمترین نهاد در تاریخ فرهنگ تمدن انسانی است که افراد بشری در آن تعلیم می یابند و با شیوه های زندگی جمعی و تفاهم و محبت با دیگران آشنا می گردند. خانواده بستر فعلیت یافتن استعدادها و توانایی های انسانی است و بخش عظیمی از ابعاد شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی مسئولیت پذیری تحمل و بردباری در برابر دیگران و واکنش های عاطفی در آن شکل می گیرد. پدران و مادران خوشایند ترین موجودات هستی برای فرزندان هستند و رفتار و منش و روش آنان الگوی مناسب برای کودکان می باشد. افرادی که با کسب تجربه ای ناخوشایند در خانواده وارد اجتماع می شوند سازگاری و تفاهم بیشتری با دیگران دارند. در حالی که بسیاری از ناکامی ها و شکست ها نیز که به انحراف و ناسازگاری های بعدی منجر می شود. ریشه در ویژگی خانوادگی دارد. (نجفی، ۱۳۹۹).

اختلالات عاطفی

اختلالات عاطفی گروهی از اختلالات روان پزشکی هستند که علامت اصلی آن را خلق غیر طبیعی تشکیل می دهد. اختلالات عاطفی شامل درجات مختلف، افسردگی، خلق بالا یا تحریک پذیر است. اشخاص مبتلا به اختلال های عاطفی، از یک حالت خلقی شدید و طولانی مدت در عذاب هستند. شکایت اصلی این بیماران از ماهیت هیجانی (عاطفی) برخوردار است. معمولا شخص می تواند استدلال کند و با واقعیت تماس داشته باشد هر چند امکان دارد که برای موارد شدید تر بیمار بستری شود. (سپینگتون، ۱۳۸۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انواع اختلال های عاطفی موجود در خانواده

در کانون خانواده های نابسامان خانواده هایی که از فروغ هر گونه محبت گرم و روشن نشده است دشواری کودکان از شیطنت ها و شلوغ کردن های ساده شروع می شود و به انواع بزهکاری ها، طغیان ها انجام دادن اعمال شنیع و جنایات و عمل منافی عفت و دزدی منتهی می شود. محرومیت عاطفی که معمولا از تیرگی روابط خانوادگی به وجود می آید یکی از علل مهم بزهکاری نوجوانان است. وضعیت مغشوش خانواده، ستیز و... اختلاف بین پدر و مادر و رفتار خشونت آمیز والدین از علل مهمی است که جوانان را دچار نگرانی و ناامنی کرده، در خود فرو می برد و به کناره گیری دیگران به ویژه پدر و مادر می کشاند. جوان در چنین شرایطی روابط خود را با والدین گسسته، گاه در نتیجه فشار یا خواست درونی ناچار می شود برای ارضای نیازهای مادی و معنوی خود یا انتقام گرفتن از والدین به خاطر محرومیت ها و سختگیری های نابجای آنها دست به کارهای خلاف بزند. گاهی اوقات خانواده هایی که در آن پدر و مادر از هم جدا نشده اند نسبت به خانواده های گسسته اثر مخرب تری روی فرزندان دارند بدین معنی که اگر اولیا با هم تجانس و توافق نداشته و همیشه در حال نزاع و مشاجره باشند، کودک

احساس حقارت و ناامنی شدیدی خواهد کرد. اغلب اوقات منشأ اضطراب بزرگسالان را می توان در اختلاف پدر و مادر آنها در زمان کودکی یافت. تعارض ازدواجی برای کودکان پیامدهای بدی دارد کودکان و نوجوانان والدینی که تعارض مکرر شدید دارند و آنها که مشکلات را به روش خصمانه ای حل می کنند مشکلات عاطفی و رفتاری بیشتری داشته و نسبت به کودکان خانواده های متعادل عزت نفس پایین تری دارند. محققان پی برده اند که ناسازگاری ازدواجی والدین با ناسازگاری ازدواجی فرزندان در سال های بعدی رابطه دارد. وقتی والدین حسود، کج خلق، منتقد، سلطه گر و زود خشم هستند بچه های آنها این روند را در روابط ازدواجی خودشان ادامه می دهند. تعارض والدین برای رفاه عاطفی و رفتاری کودکان زیان بار است طبق تحقیقات انجام شده اگر والدین در تعارض قبل از طلاق باشند برای کودکان بهتر است که آنها طلاق بگیرند تا به ازدواج ادامه دهند. از هم گسیختگی یک خانواده معمولا تأثیر ژرفی در زندگی اعضای آن می گذارد و حتی گاهی آنها را به بی سازمانی شخصیتی یا بی سازمانی شخصیت که یکی از کج روی های اجتماعی است سوق می دهد. محیط خانواده رابطه مستقیمی با بروز رفتار انحرافی و ارتکاب جرم دارد و از هم گسیختگی خانواده غالبا منجر به فرار کودکان از منزل، مدرسه و ولگردی می شود. عدم مراقبت دقیق والدین و بی توجهی آنان به امر تعلیم و تربیت فرزندانشان اساس کج روی ها را در کودکی پایه گذاری می کند که این امر در نوجوانی با شدت و حدت ظاهر می شود. مهم ترین عوامل موثر در بزهکاری فرزندان روش تربیتی نارس یا اختلال در شبکه ارتباطی خانواده است والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند بیشتر احتمال دارد که فرزندان بزهکار داشته باشند افزایش احتمال بزهکاری در خانواده هایی وجود دارد که والدین از روش های انضباطی بسیار سخت گیرانه یا بسیار بی بند و بار و فریبنده استفاده می کنند یا شیوه انضباطی به جای آن که مبتنی بر استدلال باشد مبتنی بر تنبیه بدنی است یا والدین نسبت به فرزندان خود به جای آن که گرم و صمیمی و عاطفی باشند، بی توجه، غافل و تمسخر کننده هستند. فشار و خشونت رفتار والدین به نوبه خود موجب اختلال عصبی در کودکان و نوجوانان می شود، محیط و رفتار نامناسب خانواده یکی از انگیزه های بزهکاری در کودکان و نوجوانان است کودکانی که از عطف و محبت والدین برخوردار نباشند به دشواری های روانی دچار می شوند. پدران و مادران نخستین کسانی هستند که می توانند اضطراب را در نوجوانان پدید آورند. روابط نادرست والدین با کودک از نظر مهر ورزی و عاطفی و سختگیری های افراطی آنها از جمله عوامل انحراف نوجوان است. روابط والدین با فرزند باید بر اساس عشق و علاقه و صمیمیت استوار باشد تا اعتماد به نفس را در نوجوانان ایجاد کند. کانون سرد و بی فروغ و خالی از محبت و نوازش خانواده اثر شومی در کودک به جا می گذارد، پرخاشگری، بزهکاری و سایر مشکلات رفتاری نمایانگر اختلالاتی در روابط بین والدین و نوجوانان است. از آن جا که دل بستگی به خانواده ارتباط معکوسی با دل بستگی به همسالان دارد هر قدر نوجوان به دلیل احساس تعلق که در خانواده از آن محروم است به گروه همسالان جذب شود خانواده بیشتر او را طرد می کند و او بیشتر جذب همسالان ناهنجار خود می شود. نابسامانی های اقتصادی اجتماعی از قبیل فقر، تورم، گدایی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و دیگر عواملی که باعث محرومیت می شوند زمینه مساعدی را برای انواع مختلف آسیب های اجتماعی چون خودکشی، سرقت، اعتیاد به مواد مخدر، طلاق و گدایی و... فراهم می آورد. آسیب شناسان اجتماعی بر این باورند که پس از جدایی والدین مسائل روحی و روانی بسیاری برای فرزندان ایجاد می شود از جمله بدبینی به جنس والد دیگر و بی خبر ماندن از روحيات و ساختار وجودی او که آسیب های آن بعد ها در ازدواج چنین فرزندان آشکار می شود. مشکلات روانی و جسمانی، تربیتی، احساس گناه و سردرگمی، اختلال در هویت و احتمال گرایش به بزهکاری را می توان از جمله آثار مخرب و زیان بار معنوی و مادی طلاق روی فرزندان برشمرد. فرزندان خانواده های طلاق بیش از دیگران دچار مشکلات رفتاری عاطفی سلامتی و تحصیلی هستند و دوران نوجوانی اوج آسیب پذیری آنان است. علل مشکلات کودکان پس از طلاق متفاوت است شاید نخستین علت واکنش های عاطفی کودکان نسبت به طلاق عدم آمادگی آنها برای جدایی والدین باشد و عوامل دیگری از جمله به هم خوردن سبک زندگی، بی پولی، غیبت یکی از والدین و ضعف سرپرستی می تواند در این امر موثر باشد. (صابری، ۱۳۸۷).

جو عاطفی روانی در خانواده

منظور از جو عاطفی خانواده، نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد یک خانواده با هم است. نظر افراد خانواده نسبت به هم و علاقه آنها به یکدیگر و چگونگی دخالت آنها در کارهای هم و همکاری یا رقابت آنها با یکدیگر، نحوه ارتباط ایشان را نشان می دهد. هر خانواده ای برخوردار از شکل خاصی از فضای روانی-عاطفی است که تعیین کننده نوع رفتارها و روابط بین اعضای آن است که ممکن است به سه صورت زیر ظاهر گردد:

۱- فضای پذیرنده و احترام متقابل به یکدیگر: از خصوصیات افراد این خانواده می توان احترام نسبت به یکدیگر، همکاری با هم، داشتن قدرت اظهار نظر، شرکت در تصمیم گیری ها، همفکری و همدلی با هم را نام برد.

۳- عدم دخالت در کار یکدیگر و آزادی مطلق: از خصوصیات این خانواده می توان آزادی مطلق افراد در خانه، عدم دخالت در کارهای یکدیگر، هرج و مرج در روابط خانوادگی، عدم توجه به مصالح و منافع دیگران و بی احترامی را نام برد.

۳- دیکتاتوری یا حاکمیت یک نفر بر اعمال و رفتار دیگران: در چنین محیطی ترس و وحشت بر افراد غلبه دارد. تمایلات و احتیاجات بچه ها به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی گیرد. بچه هایی که در چنین خانواده هایی رشد می کنند احساس امنیت نمی کنند، جرئت اظهار نظر ندارند و در نتیجه استعداد و مهارت های آنها فرصت بروز پیدا نمی کنند، در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می دهند و در مقابل دیگران حالت خصومت و دشمنی به خود می گیرند. نحوه ارتباط والدین با یکدیگر و با دیگر اعضای خانواده و امنیت یا عدم امنیت در خانه اثر مستقیم بر روی کودکان دارد. چنان چه والدین نتوانند محیطی آکنده از صفا و صمیمیت به وجود آورند، محیط خانواده به کانون تشنج، بگو مگو، اختلافات ریشه دار و درگیری مکرر والدین تبدیل می گردد و بچه ها شدیداً احساس عدم امنیت کرده، سعی در فرار از خانه و خانواده خواهند داشت و به دنبال آن دانش آموز دچار افت تحصیلی خواهد شد. وقتی محیط خانواده آکنده از محبت و احترام باشد، دانش آموز از آن احساس رضایت می کند، از تشویق و دلگرمی والدین خود برخوردار می شود، از بودن با اولیای خود لذت می برد، محیط خانه را به محیط بیرون از خانه ترجیح می دهد و از کمک و راهنمایی والدین خود بهره مند می شود. اگر والدین نیاز فرزندان را بر آورده نکنند، این کودکان در برخوردهای خود با موقعیت ها یا افراد جدید از احساس امنیت و اطمینان به نفس کافی برخوردار نیستند. والدین باید با اطلاع از وضعیت روحی و جسمانی و وضعیت تحصیلی فرزند خود و نیز آگاهی از چگونگی توجه و کمک به او که در سایه همکاری و هماهنگی با مربیان انجام خواهد گرفت، بستر و فضای لازم را برای پیشرفت تحصیلی فرزند خود فراهم و او را راهنمایی کنند و به جای دخالت یا انجام تکالیف فرزند خود، فقط نظارت و مساعدت لازم را برای انجام کار توسط خود او به عمل آورند. (همتی، ۱۳۸۸).

ارتباط عاطفی و صمیمی والدین

منظور از ارتباط عاطفی و صمیمی والدین نحوه ارتباط و برخورد آنها با هم است. نظر والدین نسبت به هم، احساسات و علاقه آنها به یکدیگر و چگونگی دخالت یا عدم دخالت آنها در کارهای هم و همکاری یا رقابت آنها با یکدیگر می باشد. ناهماهنگی زن و شوهر از نظر خصوصیات اخلاق یا نداشتن توافق اخلاقی، زندگی مشترک را به دوزخی جانسوز مبدل می سازد. یگانگی و یکرنگی، وحدت روح و عشق و محبت، بدون داشتن توافق روانی و تجانس فکری و عقاید متشابه و علایق مشترک امکان پذیر نیست. برخوردهای ناصحیح والدین یکی از شایع ترین علت های ناسازگاری عاطفی فرزندان است. زیاده روی در محبت و دوست داشتن زیاد چه در مردان و چه در زنان باعث توقعات بی جای طرفین شده و در نتیجه آرامش زندگی زناشویی را به هم

می زند. بدون شک عامل اقتصادی در رابطه سالم در این مسیر صعودی نقش مهمی دارد. یکی دیگر از عواملی که در رابطه والدین بسیار مؤثر می باشد این است که همسر به هیچ چیز و هیچ کس پای بند نبوده و با شوهر و یا شوهر از هیچ معنویتی برخوردار نیست مفهوم عالی ازدواج اتحاد دو انسان برای تشریک مساعی و تشکیل زندگی مشترک و کوشش در تعلیم و تربیت فرزندان برومند است و والدین که ارتباط مناسبی با هم ندارند این مفهوم را درک نکرده اند. (نجفی، ۱۳۹۹).

اهمیت محبت و صمیمیت والدین

اهمیت محبت و صمیمیت والدین در پرورش فرزندان به خوبی مشهود است و باید درس عبرت باشد برای کسانی که از بذل مهر و محبت و صمیمیت در حق اولاد خود دریغ می کنند و در سالهای بعد که فرزندان آنها از پدر و مادر و مدرسه و از همه دنیا فراری و بیزاری می جویند و عنود و لجوج می گردند در شگفت می مانند در این هنگام والدین دلیل آن را در همه چیز جویا می شوند. جز در جهالت و نادانی و بد رفتاری خویش در محیط خانه و نمی دانند که اساس تربیت محبت و صمیمیت است نه نصیحت. نصیحت های پدران و پند های حکیمانه در بزرگسالی نمی توانند جایگزینی برای کمبود محبت در دوران کودکی و نوجوانی باشد و چون حباب های صابون اند که با نیشخندهای تمسخر آمیز در هوا بدرقه و محو می شود. و مکرر دیده شده که فرزندان عمداً در این هنگام به خود صدمه می زنند تا از والدین خود انتقام جویی نمود. و آنان را در خواسته های خود ناکام کنند که این امر ممکن است تا حد خودکشی برسد. در ادبیات ما در حق پدر و مادر سخن به وفور رفته است. اما در مورد حق اولاد زیاد صحبت نشده است که این ها کمبودهایی هستند که باید جبران شود. (نجفی، ۱۳۹۹).

تاثیر مسائل عاطفی در پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی فرزند بسیاری از اوقات تحت الشعاع مسائل عاطفی بوده و دلسردی کودک و نوجوان در اثر برخورد نامناسب والدین با یکدیگر تمرکز حواس او را در کلاس از بین می برد عدم توجه والدین به این موضوع ممکن است کودک را در یادگیری مسائل آموزشی دچار مشکل کند و تلاش و علاقه او را از بین ببرد. مهمترین مسئله در پیشرفت تحصیلی، علمی و آموزشی کودکان و نوجوانان متکی بودن مسائل آموزشی به جنبه های احساسی و عاطفی مورد علاقه کودکان و همچنین توجه به ویژگیهای روانی آنان در این دوره است. در چنین شرایطی کودک بدون اینکه احساس می کند، با شوق و علاقه معلومات تازه ای دریافت کرده خود را برای کشف هر چه بیشتر حقایق افزونتر می سازد. بیشترین تحصیل کودک که با پیوندهای عاطفی کودک همراه با جهت گیریهای صحیح معنوی رفتار والدین باید توجه داشته باشد. که آماده کردن کودک برای ورود به هر پایه تحصیلی نیازمند یک فعالیت مستمر در مراحل قبل از آن است. و در سایه وجود آن است که فرزند شان با درک مقدمات به سادگی آمادگی برقراری ارتباط کلامی با مربی و همسالانش را پیدا می کند. به طوری که با آمادگی روانی تمام و با برخورداری از حسن علاقه به کار و توانایی فکری و جسمی و آشنایی در برقرار کردن ارتباط با همسالان مهیای ورود به مرحله آموزش می گردد. آموزش معلومات درسی بدون در نظر گرفتن شرایط عاطفی بچه و بدون پیدا کردن مرکز رغبت و علاقه وی و همچنین بدون برخورداری از برنامه ریزی صحیح، موجب بوجود آمدن معلومات سطحی و فشار خستگی روحی فراوان بچه در کلاس خواهد شد. از طرف دیگر والدین باید فرزند را در جهت درک صحیح رویدادها و حوادث مختلف و تضادها ارزش ها که در محیط خانه و مدرسه مورد توجه قرار گرفته است راهنمایی کرده و یاری دهند. (نجفی، ۱۳۹۹).

باورهای والدین، موفقیت فرزند

سه عامل به عنوان مهم ترین عوامل جهت موفقیت تحصیلی دانش آموزان مطرح است که از این عوامل با نام «باورهای والدین» یا «اهداف والدین» یاد می کنند:

باور والدین و مشخص کردن نکات مهم و با اهمیت در زندگی و انتقال این باورها و اعتقادات به کودک، با شیوه ای صحیح و منطقی، کودک را در جهت گیری ها و رفتارهایش یاری می دهد. به طور مثال، اگر تحصیل، موفقیت تحصیلی و تحصیلات بالای فرزند برای والدین از اهمیت ویژه ای برخوردار است، باید این باور به شیوه ای درست و منطقی برای کودک شرح داده شود تا کودک بفهمد که برای والدین او، موفقیت تحصیلی جایگاه ویژه ای دارد، تا بر همین اساس گام بردارد. عقیده و باور والدین درباره هر موضوعی باید در رفتار خود آنها جلوه گر شود. والدینی که از دروغگویی بیزارند و دوست ندارند فرزندشان این خصلت زشت را بیاموزد، باید این باور را به طور عملی نشان بدهند. اگر والدین عقیده دارند که ارتباط و حضور مستمر آنها در مدرسه فرزندشان باعث موفقیت تحصیلی او می شود، باید این عقیده را اجرا کنند. به این معنی که با برقراری ارتباط مؤثر و مناسب با اولیاء مدرسه فرزندشان باعث فراهم کردن زمینه مناسب برای موفقیت فرزندشان شوند. بنابراین باورهای والدین و انتقال این باورها با شیوه ای درست و منطقی به فرزند، او را در جهت گیری ها و یافتن مسیر صحیح یاری می کند. (حبیبی، ۱۳۹۱).

تاثیر اختلافات والدین بر فرزندان

بسیاری اوقات همسران بدون توجه به حضور کودکان به نزاع و جر و بحث می پردازند و به تصور اینکه کودک در سنینی خاص قادر به درک آنچه که بین والدین اتفاق می افتد، نیست اختلافات زناشویی را امری طبیعی و پیش پا افتاده فرض می کنند اما اختلافات زناشویی چه کمرنگ و سطحی باشد و چه عمیق و خشونت آمیز تاثیرات زیان باری در مسیر رشد کودکان بر جای می گذارد و در آینده شاهد بزرگسالانی با اختلالات رفتاری خواهیم بود. اختلاف های زناشویی یکی از عواملی است که رشد طبیعی فرزندان را دچار اختلال می کند و در محیط هایی که چنین اختلاف هایی بین والدین وجود دارد، نمی توان انتظار داشت که فرزندان رشد طبیعی داشته باشند. چون در این شرایط در فرزندان حس بی اعتمادی به وجود می آید و محیطی با روابط خشونت آمیز که مناسبات انسانی در آن آسیب می بیند، برای رشد کودکان مناسب نیست و تربیت آنها را دچار مشکل خواهد کرد.

هر صدای بلند، یک تاثیر سوء: هر صدای بلندی که در محیط خانه شنیده شود، روی ذهن کودک تاثیر منفی می گذارد و مانعی در مقابل رشد طبیعی او محسوب می شود بنابراین اختلافات زناشویی با توجه به میزان، شدت و دوامشان هر کدام تاثیرات مختلفی روی فرزندان دارند و شدت آثار سوء و زیانبارشان با یکدیگر متفاوت است. برای مثال اگر اختلاف بین زن و شوهر پایدار است و وجود این اختلافات منجر به طلاق عاطفی بین همسران شده، در چنین محیطی میزان آسیب پذیری کودک فوق العاده بالاست چون در یک تعارض وحشتناک قرار می گیرد و فکر می کند از میان پدر و مادر باید به کدام یک از آنها اتکا کند و با اتکا به یکی دیگری را از دست خواهد داد و در مقابل این موضوع، بهای از دست دادن او چه خواهد بود. این شرایط برای کودک بسیار فاجعه آمیز خواهد بود. اما اگر اختلاف در سطح ناپایدار اتفاق می افتد باید فراوانی آن را بررسی کرد. یعنی اختلافات بین زن و شوهر به طور معمول در هر هفته، هر ماه یا در هر روز چند بار اتفاق می افتد. در تمام این موارد هیچ شرایط اختلاف برانگیزی وجود ندارد که موجب اختلال در رشد کودکان نشود یعنی در تمام حالات و تعداد دفعاتی که زن و

شوهر با هم به بحث می پردازند رشد طبیعی کودک دچار اختلال می شود چون با اختلاف زن و شوهر شرایط نامناسبی در فضای عاطفی خانه حکم فرما می شود که روی کودکان تاثیر سوئی بر جای می گذارد. طبیعی است که هر چقدر میزان اختلاف و نوع مواجهه والدین شدیدتر باشد یعنی اختلاف زناشویی حالت خشن تری به خود بگیرد یا گاهی به زد و خورد فیزیکی منجر شود، تاثیرات سوء بیشتری روی رشد طبیعی کودکان دارد و گاهی در دوره های سنی بالاتر پیامدهای این اختلافات در شکل های مختلف روی رفتار کودکان بروز پیدا خواهد کرد. برای مثال بحث تعلق اجتماعی که در دوره نوجوانی منجر به انتخاب دوست و ایجاد روابط سالم با دوستان می شود، به شدت وابسته به شرایط عضویت فرد در خانواده ای است که در آن تربیت شده و مسائلی را تجربه کرده است. برای مثال اگر تجربه کودک از محیط خانواده اش خوب و خوشایند بوده باشد، در وجود او از دیگری به عنوان یک مفهوم تاثیر مثبتی ساخته می شود. یعنی در چنین شرایطی مفهوم «دیگری» شخصی می شود که می شود با او زندگی کرد، به او اعتماد کرد یا به او احترام گذاشت. در واقع کودکان با پا گذاشتن در سنین نوجوانی این تاثیرات را در دیگران جستجو خواهند کرد. بنابراین نقشی که خانواده در ساختن این گونه مفاهیم در ذهن کودکان دارد، بسیار حائز اهمیت است. (سیفی، ۱۳۹۳).

افت تحصیلی

فرهنگ عمید واژه افت را کمبود کمی و کاست و نقصان معنا کرده است. در فرهنگ معین واژه افت به معنای افتادن کمبود جنس، کمی و کاست و نقصان می باشد. منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. توجه به این تعریف نشان می دهد که مقایسه و سنجش سطح عملکرد تحصیلی قبلی و فعلی دانش آموز بهترین شاخص افت تحصیلی است. (کوهستانی و همکاران، ۱۳۹۲). برای تبیین شکست تحصیلی معمولاً از کلمه ی افت یا اتلاف تحصیلی استفاده می شود. از دیدگاه امین فر (۱۳۶۵) اصطلاح افت یا اتلاف در آموزش و پرورش از زبان اقتصاد دانان گرفته شده است و آموزش و پرورش را به صنعتی تشبیه می کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه که باید به محصول نهایی تبدیل شود را تلف می کند و نتیجه ی مطلوب و مورد انتظار را به بار نمی آورد. (سلسبیلی و همکاران، ۱۳۸۴).

انواع افت

انواع افت را می توان به دو دسته کمی و کیفی تقسیم کرد:

افت کمی: عبارت است از درصدی از دانش آموزان یک دوره ی آموزشی که به سبب مردود شدن یا ترک تحصیل نتوانسته اند آن دوره را با موفقیت بگذرانند.

افت کیفی: عبارت است از نارسایی در رسیدن به اهداف تعیین شده و یا عدم تحقق بخشی از این هدف ها. بنابراین تفاوت بین دانش و مهارت فارغ التحصیلان یک دوره ی آموزشی و هدف تعیین شده برای این دوره افت کیفی را نشان می دهد. (کوشکی، ۱۳۹۳)

تأثیر شرایط خانوادگی بر افت تحصیلی

مطالعه دانش آموزانی که دارای افت تحصیلی هستند نشان می دهد یکی از عوامل مؤثر بر این پدیده مسائل خانوادگی به ویژه از هم گسیختگی خانواده، کم سوادی والدین، مشکلات عاطفی، انزوا، جو اجتماعی-روانی خانواده، عدم ارتباط صمیمانه با پدر و مادر، میزان درآمد خانواده، شغل والدین، میزان تفاهم والدین، حضور یا عدم حضور والدین، وضعیت تحصیلی سایر خواهران و برادران می باشد که در سلامت روحی و جسمی دانش آموز تأثیر فراوانی می گذارد. دانش آموزی که از شرایط خانوادگی مناسب و پشتیبانی و حمایت عاطفی والدین خود برخوردار نیست و نیازهای روحی و روانی اش تأمین نمی شود در پی ارضای احتیاجات خود دچار بی توجهی به تحصیل یا ترک آن می شود. پاسخ گفتن به نیازها از سوی والدین لازمه موفقیت هر دانش آموز است در حالی که برخی از والدین بدون آگاهی از وظیفه خود در قبال دانش آموز فقط از او انتظار موفقیت دارند. نتایج یک تحقق نشان می دهد که میزان تحصیلات والدین تأثیر فراوانی در کیفیت تحصیلی دانش آموز دارد، زیرا والدین تحصیل کرده به ویژه پدران در حل مشکلات درسی فرزندان بهترین یاور آنها خواهند بود و می توانند برای فرزندان خویش الگوهای بسیار زیبایی از تعلیم و تربیت باشند.

تأثیر مشکلات خانوادگی بر افت تحصیلی

دعواهای خانوادگی زن و شوهر و تداوم آنها یکی از عواملی است که به شدت سبب تضعیف روحیه و افت تحصیلی دانش آموزان می شود. از آنجایی که کودکان در چنین لحظاتی زود انرژی و توان خود را از دست می دهند و نمی توانند هم زمان با تحصیل بار مشکلات خانوادگی را نیز به دوش بکشند خسته و ناتوان می شوند و اولین آثار خستگی روحی آنها را می توان در کیفیت نمرات درسی آنها مشاهده کرد. والدین نباید در چنین شرایطی از فرزند دانش آموز خود توقع نمرات خوب داشته باشند و به او بگویند این دعواها ربطی به تو ندارد. چنین چیزی غیر ممکن است زیرا فرزندان جزئی از محیط خانواده هستند و هر چیزی چه مثبت چه منفی تأثیرات زیادی روی آنها در محیط خانواده خواهد داشت. این وظیفه والدین است که مراقب روحیه فرزندان دانش آموز خود باشند تا مانع از فرورفتگی شخصیتی آنها شوند و به این ترتیب راه را بر هر نوع زمینه انحرافی که در چنین لحظاتی آینده فرزندان را تهدید می کند ببندند.

عوامل افت تحصیلی دانش آموزان مربوط به خانواده:

- اختلاف خانوادگی و خانواده آشفته، طلاق فیزیکی یا روانی والدین، وجود نامادری یا نا پدری و غیره.
- اختلاف فرزندان با خانواده مانند لجبازی با والدین و اعتراض به جو خانواده.
- وابسته و متکی نمودن فرزندان به والدین در امور درسی و تکالیف منزل از دوران ابتدایی
- تحقیر، سرزنش و مقایسه نادرست فرزندان با همسالان موفق و در نتیجه پایین آوردن اعتماد به نفس و خود پنداری آنان.

- تغییرات منفی در خانواده مانند ورشکستگی سیاسی و اقتصادی و اعتیاد و غیره.
- تغییر در جهت ارتقای سریع و غیر مترقبه سطح اقتصادی یا اجتماعی خانواده و از خود باختگی و غافلگیر شدن فرزندان و انواع انحرافات. (باهنر، ۱۳۸۰).

خانواده و نقش آن بر افت تحصیلی دانش آموزان

۱ - محرومیت فرهنگی

۲ - فقر و محرومیت اقتصادی

۳ - عوامل عاطفی و رفتاری خانواده

۴ - فقدان والدین

۵ - بی سواد والدین

۶ - تعداد اعضای خانواده

در ادامه بخشی از آسیب ها و پیامدهای منفی جدایی والدین را بررسی می کنیم:

۱. کم شدن اعتماد به نفس؛ کودکان در شرایط طلاق، حمایت خود را در محیط خانواده از دست داده و با از دست دادن حمایت بیرونی، حمایت درونی و اعتماد به نفس را نیز از دست می دهند. آنها در آینده نمی توانند افرادی با تأثیر گذاری روی دیگران و اجتماع باشند و هرگز جسارت ریسک کردن و خلاقیت را نخواهند داشت.

۲. کودکانی که کانون گرم خانواده را از دست می دهند، عملاً توجه عاطفی را که قبلاً داشته را نخواهند داشت و این مسئله روح آنها را آزار می دهد.

۳. رشد احتمال بزهکاری؛ تحقیقات نشان می دهد که کودکان در خانواده های طلاق زمینه بیشتری برای جرم و بزهکاری در آینده خواهند داشت.

۴. عدم نظارت والدین؛ درست در زمانی که والدین سرگرم حل مشکلات خود هستند و به زحمت می توانند مشکلات زندگی آشفته خود پس از طلاق را حل کنند، کودکان و نوجوانان در این خانواده ها به دور از چشم پدر یا مادر با رفتار نادرست و یا با رابطه با افراد ناباب، آینده ای تاریک را برای خود رقم می زنند.

۵. احساس حقارت و احساس گناه؛ کودکان ممکن است احساس کنند که آنها عامل و دلیل جدایی والدین بوده اند. این احساس باعث بروز مشکلات روانی در کودک می شوند.

۶. عدم آموزش رفتار متناسب با نقش؛ پدر منبع همانند سازی پسر و مادر منبع همانند سازی پسر می باشد. کودکان رفتار متناسب با جنس خود را از والدین یاد می گیرند. کودکان پرورشگاهی معمولاً در نحوه برخورد به عنوان زن یا مرد مشکل داشته و نحوه ابراز محبت به همسر در آینده را به نحو صحیح بلد نیستند. فرزندان طلاق نیز باید فردی را به عنوان الگو برای خود انتخاب کنند. بنابراین داشتن گستره رابطه خویشاوندی در خانواده های طلاق و داشتن رابطه عاطفی مفید و مستمر با فردی سالم و ذی نفوذ بر روی کودک و نوجوان که همجنس او نیز هست، ضروری می باشد.

۷. خلأهای عاطفی؛ پدر و مادر اولین و اصلی ترین منبع محبت برای کودکان می باشند. زمانی که کودک، والدین یا یکی از آنها را از دست می دهد، احساس می کند منبع محبت خود را از دست داده است. بنابراین تعیین منبع جایگزین برای تغذیه عاطفی کودکان ضروری می باشد.

۸. وقوع طلاق در خانواده باعث می شود اکثر نوجوانان از ایجاد یک رابطه مبتنی بر عشق بترسند.

۹. آنها فکر می کنند با دور نگه داشتن خودشان از دیگران به لحاظ احساسی از صدمات و ناراحتی های بعدی در امان هستند.

۱۰. توقعات از دیگران حتی از زندگی آینده خود را کاهش می دهند و در برابر اصلاح امور، احساس ناتوانی می کنند.

۱۱. توانایی های اجتماعی آنها تحت تاثیر قرار می گیرد.

۱۲. نیاز به داشتن پدر به خصوص برای پسران در اواسط و اواخر نوجوانی به شکلی واضح احساس شده است. (متخصص، ۱۳۹۶).

راهکارهای عملی انجام شده برای کاهش افت تحصیلی در کشورهای هم سطح

افت تحصیلی موضوعی غیر قابل حل نیست اما حل آن هم یکباره و ناگهانی و با شیوه های آنی میسر نیست برای مقابله با این پدیده به برنامه ریزی های دراز مدت و زیر بنایی احتیاج است. برنامه هایی که بر اساس واقعیت های اجتماعی باشند و ضمانت اجرایی به عنوان یکی از اصول برنامه ریزی آموزشی را داشته باشند. بهره گیری از مطالعات تطبیقی یعنی استفاده از تجربیات

سایر کشورها. به عنوان مثال در هند راه های زیر را به کار برده اند:

۱- روش های موثر تدریس عرضه گردید.

۲- باز آموزی معلمین آغاز شد.

۳- بین والدین و معلمین رابطه نزدیک تر ایجاد شد.

در کشور پاکستان بیشتر روی بازآموزی ها تاکید شده و باز آموزی معلمین را سر لوحه کار خود قرار داده اند و معتقدند که این کار باید شامل آموزش مهارت های تدریس، بازنگری محتوای دروس و آموزش مهارت هایی باشد که انگیزه دانش آموزان را به درس و تحصیل بیشتر کند. (افشاری، ۱۳۹۵).

نتیجه گیری

از نظر پارسونز احساس ایمنی به دوران کودکی محدود می شود. در این دوران، کودک محبت بی قید و شرط والدین را دریافت می کند. خانواده، اساسی ترین نهاد جامعه پذیر کردن کودکان به ویژه در سال های حساس اولیه زندگی است. خانواده تحت شرایط صحیح کودکان را آماده می سازد تا توانایی های بالقوه خود را شناسایی کنند و به عنوان افراد بالغ نقش های سودمندی را در جامعه بر عهده گیرند. کودکان در فرآیند جامعه پذیری در خانواده امر و نهی والدین، تقلید و همانند سازی را که از مهم ترین شیوه های انتقال ارزش ها، هنجارها و سنت های اجتماعی است یاد می گیرند. در حقیقت در خانواده است که کودکان می آموزند چه چیزی درست یا چه چیزی غلط است و چه چیزی خوب یا چه چیزی بد است. طبیعی است که خانواده نقش قابل ملاحظه ای در شکل گیری شخصیت و رفتار کودک دارد. در محیط گرم و دوستانه خانواده که در آن پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده دارای روابط خوب و صمیمانه ای هستند معمولا کودکان سالم با شخصیتی مثبت و فعال بار می آیند که بازتاب عشق و علاقه خانوادگی را به صورت کار و کمک به دیگران نشان می دهند. نقش والدین در شکل گیری شخصیت فرزندان به خصوص در کودکی و نوجوانی و موفقیت آنان در مسیر زندگی بسیار مهم است. والدین با تأمین فضای امن و پر محبت و سازنده و آرایه الگوهای مثبت، بهترین تکیه گاه برای فرزندان بوده و سبب ایجاد و افزایش اعتماد به نفس در آنان می شوند. باید متذکر شد که اختلاف والدین لزوما باعث ایجاد اختلالات روانی کودکان نمی شود زیرا گاهی کودکانی بوده اند که با وجود خانواده ناآرام توانسته اند به خوبی با محیط خود سازش یابند و زندگی سالمی داشته باشند ولی به طور کلی اغلب کودکانی که در خانواده های غیر عادی پرورش پیدا می کنند، تحت تأثیر سوء آن قرار خواهند گرفت. والدین نخستین و نزدیک ترین کسانی هستند که مورد تقلید کودکان خود واقع شده و در عمل سرمشقی برای آنها قرار می گیرند بنابراین پدر و مادر وظیفه ای خطیر و سنگین در امر تربیت اطفال به عهده دارند و کوچک ترین غفلت آنها موجب سرگردانی کودک یا انحراف او خواهد شد که جبران ناپذیر است باید والدین در مورد تربیت کودک توافق نظر داشته باشند. هر چند تفاوت هایی میان خانه و مدرسه وجود دارد ولی هر دو در یک مسأله رایج یعنی اطمینان از رشد مطلوب کودکان، مشترک هستند. خانه همواره در کنار مدرسه از عوامل مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت مطرح بوده و کارایی خود را نیز نشان داده است. هر قدر پیوند خانه و مدرسه محکم تر باشد بازدهی تعلیم و تربیت بیشتر خواهد بود. تشکیل انجمن های اولیا و مربیان در اغلب مراکز آموزشی به همین منظور انجام می گیرد هر یک از اعضای خانواده بخصوص پدر و مادر در تربیت کودک نقش بسزا دارند.

منابع

افشاری، ملوس (۱۳۹۵). بررسی علل افت تحصیلی و تاثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.

با هنر، ناصر (۱۳۸۰). آموزش مفاهیم همگام با روانشناسی رشد. شرکت چاپ و نشر بین الملل.

تقوی، نعمت الله (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده. دانشگاه پیام نور.

حبیبی، اعظم (۱۳۹۱). خانواده و پیشرفت تحصیلی.

سلسبیلی، نادر و قاسمی، نرجس (۱۳۸۴). عوامل موثر بر شکست تحصیلی: نگاهی دوباره به عوامل درونی و بیرونی. نشریه پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش. دوره ۲۱، شماره ۴.

سپینگتون، اندروا (۱۳۸۵). بهداشت روانی. ترجمه: حمید رضا حسین شاهی برواتی. تهران: روان، چاپ اول.

سیفی، مریم (۱۳۹۳). اختلالات والدین چه بر سر کودکان می آورد؟ <https://www.bartarinha.ir>

صابری، هایده (۱۳۸۷). اختلالات عاطفی: همه گیر شناسی اختلالات عاطفی و رفتاری در کودکان مقطع ابتدایی. مجله اندیشه و رفتار در روانشناسی، شماره ۸.

فراپی، محمد (۱۳۷۱). سیاست مدینه. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کوهستانی، حسن و دست باز، حسن (۱۳۹۲). پایان نامه افت تحصیلی.

کوشکی، فاطمه (۱۳۹۳). پایان نامه: نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. ج ۳، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). انتشارات.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار. ج ۱۹، تهران، دانشگاه تهران.

متخصص، سارا (۱۳۹۶). اقدام پژوهی خانواده و نقش آن بر افت تحصیلی دانش آموزان. —

<http://kolbearamesh94.blogfa.com/post/215>

نظری گزنی، فائزه و ضیائی، گیتی (۱۳۹۷). تاثیر اختلالات عاطفی موجود در خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس.

نجفی، طاهر (۱۳۹۹). تاثیر خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. <https://www.shafadarman.com/blog>

همتی، فاضله (۱۳۸۸). خانواده و افت تحصیلی. <http://fhemati.blogfa.com/post/56>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی